



### سالواتوره جولیانو

فرانچسکو رزی، ترجمه‌ی آنتونیا شرکا

نشر نی، ۱۳۸۷

تلاش برای انتشار متن‌هایی با اصالت و ظرافت ادبی، هدف این مجموعه است، آثاری که هویتی مستقل از فیلم‌ها دارند و می‌توانند لذت خواندن یک متن ادبی را به خواننده بدهند.

فرانچسکو رزی با ساخت فیلم سالواتوره جولیانو شیوه‌ای را پایه‌ریزی کرد که در دو دهه‌ی شصت و هفتاد میلادی، به عنوان بزرگترین فیلم‌ساز سیاسی دوران لقب گرفت. آیزنشتاین در نیمه‌ی نخستین قرن بیستم استاد سینمای سیاسی لقب گرفت و رزی با رویکردی متفاوت در برابر واقعیت‌های قدرت، به گونه‌ای هم‌تراز وی در نیمه‌ی دوم قرن بیستم است. رزی توانایی آن را دارد که واکنش‌های احساسی عمیقی در تماشاگرانش برانگیزد، با این حال تلاش خود را وقف برانگیختن تفکر در آنان می‌کند که موجب ابهام در نتیجه‌گیری تحقیقات می‌شوند. فیلم‌های او را می‌توان تصویری گسترده از گذشته تاریخی و نیز حال کشورش دانست. رزی پیش از مطرح شدن و ثبات در مقام فیلم‌سازی و فیلم‌نامه نویسی معتبر، دستیاری کارگردانان بزرگی چون ویسکونتی، آنتونیونی و مونیچلی را به عهده داشته است و همزمان تابع نئورالیسم ایتالیا و سنت فیلم‌سازی جنایی آمریکاست. او با سالواتوره جولیانو رئالیسم نوینی را معرفی کرد که به شدت تحت تأثیر نئورالیسم است اما در عین حال با بررسی مسائلی چون قانون و قانون شکنان، از الگوی بلاواسطه‌ی نئورالیسم فراتر می‌رود و علاوه بر آن، علل و نتایج روش‌های عملکرد جامعه را روشن می‌سازد.

جولیانو، راهن سبیلی، در این فیلم تنها در قالب یک جسد در حیات کاستل وترانو یا در سردخانه، یا در قالب شمالی سفیدپوش در میان صخره‌های کوهستان سبیلی دیده می‌شود. رزی با استفاده از نام مردی تقریباً غایب، راهی مستقیم برای جلوگیری از هم‌ذات پنداری با این شخصیت و از همه مهم‌تر، برای جلوگیری از تحسین وی در مقام یک قهرمان، یافته است. او با کنار گذاشتن این ویژگی، که عمدتاً در خط داستانی فیلم‌های مبتنی بر زندگی‌نامه‌ها دیده می‌شود، از اثرات بیگانه‌سازی مخاطب با متن بهره می‌برد و با به هم ریختن نظم زمانی رخداد، علت و معلول آن را روشن می‌کند.

رزی برای این فیلم تحقیقات گسترده‌ای در میان مدارک و در محل وقوع رویداد زده است. در واقع رزی بر آن است تا تماشاگر را با تخیلات خودش مشغول کند و درباره‌ی رویدادهایی صحبت کند که خود درباره‌ی آنها اطلاع کاملی ندارد. هم‌چنین جولیانو بیش‌تر از آنکه به پرسش‌ها پاسخ دهد، سؤال می‌کند و با این کار، از محدوده‌ی سینمای سیاسی که اغلب می‌خواهد به مخاطبش قوت قلب بدهد - فراتر می‌رود.

می‌تون گفت فیلم یکی از نمونه‌های شاخص سینمای سیاسی امروز است و خواندنش آموزنده. گفتنی است که فیلم‌نامه حاضر، نسخه‌ی اولیه‌ی فیلم‌نامه است و فیلم در هنگام کارگردانی دچار تغییر شده، به طوری که فیلم‌نویس تهیه شده‌ی بعد از کارگردانی با نسخه‌ای که اکنون در دست خواننده است، تفاوت‌های بارزی دارد. شاید این تفاوت‌ها نیز به نوعی به درک فرآیند نگارش، تبدیل نوشته به فیلم و شیوه‌ی نگاه کردن به روند کار فیلم‌سازی کمک کنند.

مارتین اسکورسیزی معتقد است، فیلم‌های رزی نه ملودرام‌اند و نه به سینمای وحشت تعلق دارند، بلکه در ژانری خود ساخته قرار می‌گیرند که بر پایه‌ی واقعیت‌های سیاسی شکل گرفته است. در فیلم‌های رزی واقع‌گرایی روشنگرانه‌ای جاری است که در ابتدا تماشاگر را تحت تأثیر قرار می‌دهد و سپس به قضاوت منصفانه دعوت می‌کند. او در بیشتر فیلم‌هایش مانند درایر یا برسون با قدرت عمل می‌کند و سینما نقش مملو از لحظه‌های به یادماندنی است.